

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ »

موضوع :

بررسی فواید امام غایب در روایات و احادیث

نویسنده :

مهدی فیض پور

استاد راهنما :

آقای رجایی

دوره تربیت مربی مهدویت

کانون صبح عدالت مشهد

چکیده

اگرچه وجود امام در هر حالی برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان در هر برهه ای از زمان و مکان از ضروریات دین محسوب می شود. وجود امام واقعیّتی مسلم و پذیرفته شده است، چرا که با توجه به متون روایی و آیات مختلف زمین هیچ گاه از حجّت الهی خالی نخواهد ماند. یکی از مباحثی که همیشه و در همه ی زمان ها مطرح بوده است، بحث از غیبت و پنهان زیستی حضرت مهدی موعود (عج) است و آن اینکه اگر وجود امام در همه ی زمان ها ضروری است، پس چه فایده ای بر وجود امام غایب از نظر مترتب است. امام در جایگاه بلندی در عالم هستی قرار دارد و کسی که به این جایگاه پی ببرد علاوه بر اصلاح خویشتن به اصلاح جامعه نیز پرداخته و با کسب معرفت و بینش بیشتر نسبت به این امام فرزانه در زمره منتظران واقعی قرار خواهد گرفت. در حیات فردی و اجتماعی انسانها سنتهای گوناگونی وجود دارد و یکی از این سنّت ها، سنّت غیبت است و بحث از غیبت امام مهدی (عج) بحث جدیدی نیست بلکه در میان انبیاء گذشته نیز موارد بسیاری دیده شده است و ریشه ی عمیق تاریخی دارد. در این غیبت حکمت هایی نهفته است و هر چند همه ی آنها بر ما آشکار نیست اما مجهول بودن این حکمت ها در ایمان به آخرین منجی عالم بشریت تأثیری نخواهد داشت. هر چند با توجه به متون روایی به حکمت ها و فواید ظاهری از غیبت ایشان پی برده شده است و خداوند حکیم هرگز کار عبث و بیهوده انجام نخواهد داد که به یاری خداوند متعال با ظهور آن امام عزیز این فواید بر همگان آشکار خواهد شد.

واژگان کلیدی: فواید، امام، غایب، روایات، غیبت

مقدمه :

پرسش از آثار و فواید امامی که غایب باشد، طبیعی و بجاست، زیرا مأنوس و متوقع از امام، رهبری سیاسی، قضایی و مقام اجرایی است که با وجود و ظهور او ملازم است، نه با غیبت او. از همین رو وقتی شخصیت نخست اسلام از خلفای برحق پس از خویش خبر داد و افزود که دوازدهمین آنها را غیبتی است طولانی؛ اصحاب پرسیدند که آثار و فواید چنین امامی چه خواهد بود؟

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خور فهم سؤال کنندگان و مخاطبان، پاسخی فرمودند روان، ساده؛ ولی عمیق^۱.

نظیر همین پرسش در طول تاریخ امامت تکرار و از زبان مبارک معصومان، پاسخ هایی در طول بیان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صادر شده است. در منابع کلامی، مخالفان ولادت و وجود فعلی امام مهدی ان پنداشته اند که اولاً؛ امام، یعنی رهبری سیاسی و مقام صرفاً اجرایی و ثانیاً؛ امام غایب، یعنی امام فقید، مخفی و منزوی که با انتقای جمیع فواید امام مساوی است. لذا اینان اعتقاد به امام غایب را لغو و بی ثمر دانسته اند.

در مقابل، متکلمان امامیه با مراجعه به آیاتی که به غیبت انبیا اشاره دارند و نیز روایاتی که از علل و فلسفه و حکمت غیبت می گویند و با تحلیل عقلی، به فواید امام غایب پرداخته اند؛ فواید و آثاری چون حفظ دین، هدایت باطنی، ایجاد روحیه امید و انتظار و ایمنی از بلا.

در تحقیق حاضر ما به بررسی فواید امام غایب در احادیث و روایات می پردازیم.

۱. (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲:ص ۴۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶:ص ۲۵۰ و ج ۵۲:ص ۹۲).

متن مقاله

صدها سال است که جامعه بشری از فیض ظهور حجت خدا محروم شده و امت اسلامی از درک محضر رهبری آسمانی و پیشوایی معصوم، بی بهره مانده است. به راستی وجود او در غیبت و زندگی او در پنهانی و دور از دسترس همگان، چه آثاری برای جهان و جهانیان دارد؟ آیا نمی‌شد در نزدیکی‌های دوران ظهور، متولد شود و شاهد روزگار سخت غیبت خویش نباشد؟

این سؤال و مانند آن، از نبود شناخت درباره‌ی جایگاه امام و حجت الهی سرچشمه می‌گیرد. به راستی جایگاه امام در مجموعه هستی چگونه است؟ آیا همه آثار وجودی او به آشکار بودن او وابسته است؟ آیا او تنها برای رهبری و پیشوایی مردمان است یا وجود او برای همه موجودات دارای اثر و برکت است؟

امام محور هستی

از نظر شیعه و بر اساس تعالیم دینی، امام، واسطه فیض رسانی پروردگار به همه پدیده‌های جهان آفرینش است. او در نظام هستی محور و مدار است و بی وجود او عالم و آدم، جن و ملک و حیوان و جمادی نمی‌ماند.

از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود:

اگر زمین بدون امام بماند هر آینه اهل خود را فرو می‌برد!

اینکه او در رساندن پیام‌های خدا به مردم و راهنمایی آن‌ها به سوی کمال انسانی، واسطه است و هر فیض و لطفی در این بخش به سبب وجود او به همگان می‌رسد، امری روشن و بدیهی است؛ زیرا از ابتدا خداوند متعال از طریق پیامبران و سپس جانشینان آن‌ها قافله بشری را هدایت کرده است؛ ولی از کلمات معصومان استفاده می‌شود که وجود امامان در گستره عالم واسطه‌ای برای رسیدن هر نعمت و فیضی از ناحیه پروردگار به هر موجود کوچک و بزرگی است. به بیان آشکارتر، همه موجودات، آنچه از فیوضات و عطایای الهی دریافت می‌کنند، از کانال امام

^۲. کافی، ج ۱، کتاب الحججه، باب ان الارض لا تخلو من حججه، ح ۱۰، ص ۱۷۹.

می گیرند. هم اصل وجودشان به واسطه امام است و هم نعمت‌ها و بهره‌های دیگری که در طول حیات خود دارا هستند.

در فرازی از زیارت جامعه کبیره که یک دوره امام شناسی است، این گونه آمده است:

بِكُمْ فَفَحَّ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَبِكُمْ يَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَازْنَةً ۗ

[ای امامان بزرگ!] خداوند به سبب شما [عالم را] آغاز کرد و به سبب شما [نیز آن را] پایان می‌دهد و به [سبب وجود] شما باران را فرو می‌فرستد و به [برکت وجود] شما آسمان را نگه داشته است از اینکه بر زمین فرود آید، جز به اراده او.

بنابراین آثار وجودی امام تنها به ظهور و آشکاری او خلاصه نمی‌شود؛ بلکه وجود او در عالم - حتی در غیبت و نماندگی - سرچشمه حیات همه موجودات و مخلوقات الهی است. خدا خود این گونه خواسته است که او که موجود برتر و کامل‌تر است واسطه دریافت و رساندن فیوضات و داده‌های الهی به سایر پدیده‌ها باشد و در این عرصه، فرقی بین غیبت و ظهور او نیست. آری؛ همگان از آثار وجود امام بهره می‌گیرند و غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این مسأله، خللی ایجاد نمی‌کند. جالب اینکه وقتی از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درباره نحوه بهره‌مندی از آن حضرت در دوره غیبت، سؤال می‌شود، می‌فرماید:

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَنَّ لِنَفْعِ الشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْإِبْصَارِ السَّحَابُ ۗ

بهره‌مندی از من در روزگار غیبت، مانند سود بردن از خورشید است، آن‌گاه که ابرها، آن‌ها را از چشم‌ها پوشانده‌اند.

تشبیه امام به آفتاب و تشبیه غیبت او به قرار گرفتن خورشید در پس ابر، نکته‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

^۳. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. توضیح اینکه این زیارت از امام‌هادی (علیه السلام) نقل شده است و از نظر مسند و عبارات، عالی است و پیوسته مورد عنایت خاص عالمان شیعه بوده است.
^۴. احتجاج، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.

خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او حرکت می‌کنند؛ چنانکه وجود گرامی امام عصر (علیه السلام) مرکز نظام هستی است.

بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَيَمْنَهُ رُزْقَ الْوَرَى وَيُجُودُهُ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ؟

به سبب بودن او دنیا باقی است و به برکت وجود او، عالم روزی می‌خورند و به وجود او زمین و آسمان، استوار مانده است.

آفتاب، لحظه‌ای از نور افشانی دریغ نمی‌کند و هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می‌گیرد؛ چنانکه وجود ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واسطه دریافت همه نعمت‌های مادی و معنوی است که از ناحیه پروردگار جهان به بندگان می‌رسد؛ ولی هر کس به اندازه رابطه خود با آن منبع کمالات، بهره مند می‌شود.

اگر این آفتاب پشت ابر هم نباشد، شدت سرما و تاریکی، زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد؛ چنانکه اگر عالم از وجود امام - گرچه در پشت پرده غیبت - محروم بماند، سختی‌ها و نابسامانی‌ها و هجوم انواع بلاها ادامه زندگی را غیر ممکن می‌کند.

آن حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید خطاب به شیعیان خود می‌فرماید:

أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَكَلَا ذَلِكَ لَنَزَلِ بِكُمْ الْإِوَاءَ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؟

ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر این گونه نبود، حتماً سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان، شما را نابود می‌کردند.

بنابراین آفتاب امام بر عالم وجود می‌تابد و به همه هستی فیض می‌رساند و در این میان برای بشریت و به ویژه جامعه مسلمین و امتن شیعه و معتقد به او برکات و خیرات بیشتری دارد که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

۱- امید بخشی

^۵. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

^۶. احتجاج، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸.

از سرمایه‌های مهم زندگی، امید است. که مایه حیات و نشاط و پویایی است. وجود امام در عالم، موجب امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق است. شیعه، پیوسته و در طول تاریخ هزار و چهار صد ساله، به انواع بلاها و سختی‌ها گرفتار شده است و آنچه به عنوان نیرویی بزرگ و پشتوانه‌ای استوار، او را به ایستادگی و تسلیم نشدن و حرکت و تلاش، واداشته، امید به آینده سبز مؤمنان و دین باوران بوده است؛ آینده‌ای که خیالی و افسانه‌ای نیست؛ آینده‌ای که نزدیک‌تر باشد؛ زیرا آن که باید رهبری قیام را به عهده گیرد، زنده است و هر لحظه پا به رکاب؛ و این، من و تو و ماییم که باید آماده باشیم.

۲- پایداری مکتب

هر جامعه‌ای برای حفظ تشکیلات خود و ادامه راه تا رسیدن به مقصد، به وجود رهبری آگاه نیاز دارد، تا اجتماع، تحت نظر و فرماندهی او در مسیر صحیح، حرکت کند. وجود رهبر، پشتوانه بزرگی برای افراد است، تا در یک سازماندهی منظم، دستاوردهای قبلی را حفظ کنند و به تقویت برنامه‌های آینده، همت گمارند. رهبر زنده و فعال، گرچه در میان جمعیت و افراد خود نباشد، از ترسیم خطوط اصلی و ارائه راهکارهای کلی، کوتاهی نمی‌کند و به واسطه‌های گوناگون، درباره‌ی راه‌های انحرافی، هشدار می‌دهد.

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در غیبت است؛ ولی وجود او عامل جدی برای حفظ مکتب شیعه است. او با آگاهی کامل از توطئه‌های دشمنان، به شیوه‌های مختلف، مرزهای فکری شیعیان را پاسداری می‌کند و آن گاه که دشمن فریبکار با وسیله‌ها و ابزارهای گوناگون، اصول مکتب و اعتقادات مردم را نشانه می‌گیرد، با هدایت و ارشاد عالمان و برگزیدگان، راه‌های نفوذ او را می‌بندد.

برای نمونه، عنایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان بحرین را از زبان علّامه مجلسی^۷ می‌شنویم:

در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می‌کرد که وزیرش در دشمنی با شیعیان، گوی سبقت را از او ربوده بود. روزی وزیر بر فرمانروا وارد شد و اناری را به دست او داد که به صورت طبیعی، این واژه‌ها بر پوست آن نقش بسته بود: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله». فرمانروا از دیدن

^۷. او از علمای بزرگ شیعه عصر صفوی است که آثار فراوانی از خود به جا گذاشته که معروف‌ترین آن‌ها کتاب بحارالانوار است. این کتاب، مجموعه‌ای گران سنگ از کلمات اهل بیت (علیهم السلام) است که در ۱۱۰ جلد تنظیم شده. وی در سال ۱۱۱۱ ق وفات یافت و در مسجد جامع اصفهان دفن شد.

آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: «این، نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است. نظر تو درباره شیعیان بحرین چیست؟» وزیر پاسخ داد: «به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارایه دهیم. اگر آن را پذیرفتند، از مذهب خود دست می‌کشند، وگرنه باید یکی از این سه کار را انتخاب کنند: پاسخی قانع‌کننده بیاورند یا جزیه بدهند یا این که مردان‌شان را می‌کشیم زنان و فرزندان‌شان را اسیر می‌کنیم و اموال‌شان را به غنیمت می‌بریم.»

فرمانروا، رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فرا خواند. آن گاه آنان را به ایشان نشان داد و گفت: «اگر در این باره دلیلی روشن بیاورید، شما را می‌کشم و زنان و فرزندان‌تان را اسیر می‌کنم یا این که باید جزیه بدهید.» دانشمندان شیعه، از او سه روز مهلت خواستند. آنان پس از گفت و گوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: «تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استغاثه کن و از او، راه‌هایی از این مصیبت را پرس؛ زیرا او امام و صاحب ماست.»

آن مرد، چنین کرد؛ ولی موفق به زیارت حضرت نشد. شب دوم نیز نفر دوم را فرستادند. او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، نفر سوم را که محمد بن عیسی نام داشت فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، کمک خواست. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می‌گوید: «ای محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می‌بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمده‌ای؟» محمد بن عیسی از آن مرد خواست که او را به حال خود واگذارد. او فرمود: «ای محمد بن عیسی! منم صاحب الزمان. حاجت خود را بازگو.» محمد بن عیسی گفت: «اگر تو صاحب الزمانی، داستان مرا می‌دانی و به گفتن من نیاز نیست.» فرمود: «راست می‌گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است، به این جا آمده‌ای.» عرض کرد: «آری؛ شما می‌دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید.» پس آن حضرت فرمود: «ای محمد بن عیسی! در خانه آن وزیر - لعنه الله علیه - درخت اناری است. هنگامی که آن درخت، تازه انار آورده بود، او از گل، قالبی به شکل انار ساخت. آن را نصف کرد و در میان آن، این جملات را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود، گذاشت و آن را بست.

^۸. پولی که غیر مسلمانانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، در برابر تأمین امنیت و برخورداری از امکانات به دولت اسلامی می‌پردازد.

چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه‌ها بر روی آن نقش بست. فردا نزد فرمانروا می‌روی و به او می‌گویی که من پاسخ تو را در خانه وزیر می‌دهم. چون به خانه وزیر رفتند، پیش از وزیر به فلان اتاق برو. کیسه سفیدی خواهی یافت که قالب گلی در آن است. آن را به فرمانروا نشان ده. نشانه دیگر این که به فرمانروا بگو: چون انار را دو نیم کنی، جز دود و خاکستر، چیزی در آن نیست».

محمدبن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر چه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده بود، آشکار شد.

فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه به تشیع گروید و دستور داد وزیر حيله گر را به قتل رسانند.^۹

۳- خودسازی

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)^{۱۰}

[ای پیامبر! به مردم] بگو: عمل کنید [؛ ولی بدانید] که خداوند و پیامبر و مؤمنان، کارهای شما را می‌بینند.

در روایات آمده است که مراد از «مؤمنون» در این آیه شریف، امامان معصوم (علیهم السلام) هستند؛^{۱۱} بنابراین، اعمال مردم به نظر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رسد و او از پس پرده غیبت، شاهد و ناظر کارها است. آن بزرگوار خود فرموده است:

فانا نحيط علماً بأنبائكم ولا يعزب عنا شيء من اخباركم^{۱۲}

علم ما به احوال شما احاطه دارد و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده و پنهان نیست.

^۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸.

^{۱۰}. سوره توبه: ۱۰۵.

^{۱۱}. کافی، ج ۱، کتاب الحج، باب عرض الاعمال، ح ۲، ص ۲۱۹.

^{۱۲}. احتجاج، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸.

این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وا می‌دارد و از این که در برابر حجت خدا و امام خوبی‌ها به زشتی‌ها و گناهان آلوده شوند، باز می‌دارد. البته به هر اندازه توجه انسان به آن معدن صفا و پاکی، بیشتر باشد، آئینه دل و جاننش، صفای بیشتری می‌یابد و این روشنی و زلالی در گفتار و رفتار او آشکارتر می‌شود.

۴- پناهگاه علمی و فکری

پیشوایان معصوم (علیهم السلام) معلمان و مربیان اصلی جامعه هستند و مردم، همواره از سرچشمه زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره‌ها برده‌اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ممکن نیست، ولی آن معدن علوم الهی به راه‌های مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می‌کند. در دوره غیبت صغرا، بسیاری از سؤالات مردم و علما، از طریق نامه‌های امام که به توقعات مشهور است، پاسخ داده می‌شد.^{۱۳}

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نامه اسحاق بن یعقوب و سؤال‌های او، نوشته است:

خداوند تو را هدایت کند و ثابت قدم بدارد! اما اینکه درباره منکران از خاندان و عموزادگان ما سؤال کردی، بدان که بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست و کسی که مرا انکار کند، از من نیست و عاقبت او همانند سرانجام پسر نوح است ... و اما اموالتان را تا پاکیزه نکنید، قبول نمی‌کنیم ...

و اما اموالی که برای ما فرستادی، از آن رو می‌پذیریم که پاکیزه و طاهر است ... و کسی که اموال ما را حلال شمرده و آن را بخورد، همانا آتش خورده است ... چگونگی استفاده از من، مانند بهره‌مندی از خورشید پشت ابراست و من امان مردم روی زمین هستم؛ همان طور که ستارگان، امان اهل آسمان‌ها هستند.

از اموری که سودی برایتان ندارد، نپرسید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواسته‌اند، به زحمت نیفکنید و برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که همان، فرج شماست. سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب و سلام بر هر کسی که پیرو هدایت است!^{۱۴}

^{۱۳}. ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ص ۲۳۵-۲۸۶.

^{۱۴}. همان ح ۴، ص ۲۳۷.

پس از غیبت صغرا هم بارها علمای شیعه، مشکلات علمی و فکری خود را با امام خویش مطرح کرده و پاسخ آن را دریافت نموده‌اند. میر‌علام یکی از شاگردان مقدس اردبیلی^{۱۵} چنین می‌گوید:

نیمه شبی در نجف اشرف در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودم. ناگاه شخصی را دیدم که به سوی حرم می‌رود. به سوی او رفتم. چون نزدیک شدم، دیدم که شیخ و استادم ملا احمد مقدس اردبیلی (قدس سره) است. خود را از او پنهان کردم.

نزدیک حرم مطهر شد؛ در حالی که در بسته بود. ناگاه دیدم در گشوده شد و داخل حرم گردیدم. پس از مدتی کوتاه از حرم خارج شد و به سمت کوفه متوجه گردیدم.

به دنبال او روانه شدم؛ به طوری که مرا نمی‌دید، تا آن که داخل مسجد کوفه شد و در نزد محرابی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در آن ضربت زده‌اند، قرار گرفت و مدتی در آنجا درنگ کرد. سپس برگشت و از مسجد بیرون رفت و به سمت نجف متوجه گردید. من همچنان دنبال او بودم، تا آنکه به مسجد حنانه رسید. ناگاه بدون اختیار سرفه‌ام گرفت. چون صدای مرا شنید، برگشت و نگاهی به من کرد و مرا شناخت. فرمود: «میر‌علام هستی؟» گفتم: «آری» گفتم: «اینجا چه می‌کنی؟» گفتم: «از آن زمان که داخل حرم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شدمی، تا حال با شما هستم. شما را به صاحب این قبر قسم می‌دهم که سر این واقعه را که امشب از شما مشاهده کردم، به من خبر دهید».

فرمود: «به شرط آن که تا من زنده هستم، آن را به کسی نگوئی». چون به او اطمینان دادم، فرمود: «گاهی که برخی مسائل بر من مشکل می‌شود، برای حل آن به امیرالمؤمنین (علیه السلام) متوسل می‌شوم. امشب نیز مسأله‌ای برای من مشکل شد و در آن فکر می‌کردم. ناگاه به دلم افتاد که باز به خدمت آن حضرت روم و سؤال کنم. چون به حرم مطهر رسیدم، چنان که دیدی در بسته بر روی من گشوده شد. پس داخل شده، به خدا نالیدم که جواب آن را از آن حضرت دریابم. ناگاه از قبر مطهر، ندایی شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم (عجل الله تعالی فرجه

^{۱۵}. او از علمای بزرگ شیعه در قرن دهم هجری بود که در تقوا و فضایل اخلاقی، نمونه و مثال زدنی است. بنابر نقل علامه مجلسی، او بارها محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف شده است. از وی آثار ارزشمندی هم به جای مانده است؛ مانند حدائق الشیعه. مزار او در حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

الشریف) سؤال کن؛ زیرا که او امام زمان توست. پس به نزد محراب [مسجد کوفه] آمدم و از آن بزرگوار سؤال کرده، جواب شنیدم و اکنون به منزل خود می‌روم»^{۱۶}.

۵- هدایت باطنی و نفوذ روحانی

امام و حجّت خدا وظیفه رهبری و هدایت مردم را به عهده دارد و در تلاش است افرادی را که آماده دریافت نور هدایت او هستند، راهنمایی کند. برای انجام این مأموریت الهی، گاهی آشکارا و بی پرده، با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و با گفتار و کردار زندگی ساز خود، راه سعادت و بهروزی آن‌ها را نشان می‌دهد، و زمانی دیگر با استفاده از قدرت ولایت خود که نیروی غیبی و الهی است در درون قلب‌ها اثر می‌گذارد. در این بخش، به حضور ظاهری امام و ارتباط مستقیم با او نیازی نیست؛ بلکه هدایت‌ها از راه‌های درونی و ارتباطات قلبی انجام می‌گیرد. امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان این بخش از فعالیت‌های امام می‌فرماید:

خداوند! جز این نیست که باید حجّتی از سوی تو در زمین باشد، تا خلق را به سوی آیین تو رهنمون شود... اگر وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد؛ ولی بی شک تعالیم و آداب او در دل‌های مؤمنان پراکنده است و آن‌ها بر اساس آن، عمل می‌کنند.^{۱۷}

امام غایب از طریق همین هدایت‌ها به کار نیروسازی برای قیام و انقلاب جهانی، همّت می‌گمارد. آن‌ها که شایستگی‌های لازم را دارا باشند تحت تربیت ویژه امام، برای حضور در رکاب آن حضرت آماده می‌شوند و این یکی از برنامه‌های امام غایب است که به برکت وجود او انجام می‌شود.

۶- ایمنی از بلاها

بدون تردید، امنیّت، از اصلی‌ترین سرمایه‌های زندگی است. پدید آمدن حوادث گوناگون در عالم، همواره زندگی و حیات طبیعی موجودات را در معرض نابودی قرار داده است. کنترل آفت‌ها و بلاها با فراهم آوردن وسائل مادی ممکن است؛ ولی عوامل معنوی نیز در آن تأثیر فراوانی دارد. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجّت الهی، در مجموعه جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیّت زمین و اهل آن شمرده شده است.

^{۱۶}. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

^{۱۷}. اثبات الهداه، ج ۳، ح ۱۱۲، ص ۴۶۳.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود فرموده است:

وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِّأَهْلِ الْأَرْضِ...؛

من موجب ایمنی [از بلاها] برای ساکنان زمین هستم.^{۱۸}

وجود امام، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفا سدی که انجام می دهند به عذاب های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

(وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...)

[ای رسول ما] تا زمانی که تو در میان ایشان [مسلمانان] هستی، خداوند هرگز آن ها را به عذاب [عمومی] گرفتار نخواهد کرد.^{۱۹}

حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مظهر رحمت و مهر پروردگار است نیز با عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن ها دور می کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری گر او را در بالای سر خود نشانند.

آن گرامی در معرفی خود فرموده است:

أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي؛

من آخرین جانشین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم. خدای متعال به سبب وجود من، بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می کند.^{۲۰}

در جریان شکل گیری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سال های پر التهاب دفاع مقدس، بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه های سنگین

^{۱۸}. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.

^{۱۹}. سوره انفال، آیه ۳۳.

^{۲۰}. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.

دشمن، عبور داد. شکسته شدن حکومت نظامی شاه در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (قدس سره)، حادثه سقوط هلی کوپترهای نظامی آمریکا در ۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ در صحرای طبس، کشف کودتای نافرجام نوژه در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ و ناکامی دشمنان در جنگ هشت ساله و نیز در توطئه‌های پس از جنگ و ده‌ها نمونه دیگر، شواهد گویایی برای این عنایات است.

۷- دادرسی شیعیان و مردم

موعود بزرگ جهانیان و قبله آمال مسلمانان و محبوب دل‌های شیعیان، همواره بر حال مردم نظر دارد. غیبت آن خورشید مهربانی، مانع از آن نیست که پرتو زندگی بخش و نشاط آفرین خود را بر جان‌های مشتاق بتاباند و آن‌ها را بر خوان کرم و بزرگواری خویش، مهمان کند. آن ماه منیر دوستی و مهرورزی، پیوسته غمخوار شیعیان و دستگیر مددجویان آستان حضرتش بوده است. گاهی بر بالین بیماران حاضر شده و دست شفابخش خویش را مرهم زخم‌های آن‌ها قرار داده است و زمانی دیگر، به گم شدگان در بیابان‌ها عنایت فرموده و واماندگان در وادی تنهایی و بی کسی را یار و یاور و راهنما گشته است. او در لحظه‌های سرد ناامیدی، دل‌های منتظر را گرمی امید، بخشیده است که نمونه‌های آن، فراوان است.

بهره مندی از دعا و استغفار حضرت یکی از برکات وجودی امام غایب، دعای آن حضرت برای سعادت مردم و به ویژه شیعیان و نیز درخواست آن بزرگوار برای آمرزش گناهان آن‌هاست.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

انی لادعو الله لمذنبی شیعتنا فی الیوم و اللیله الف مره^{۲۱}؛

به راستی من هر روز و شب هزار بار برای آمرزش شیعیان گنهکارم به درگاه خدا دعا می‌کنم.

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دعای خود می‌فرماید:

الهی بحق من ناجاک و بحق من دعاک فی البر و البحر، صل علی محمد و آله و تفضل علی فقراء المؤمنین و المؤمنات بالغنی و السعه^{۲۲}؛

^{۲۱}. کافی، ج ۱، باب مولد ابی عبدالله، جعفر بن محمد (علیه السلام)، ح ۱، ص ۴۷۲.

^{۲۲}. منتخب الاثر، فصل ۱۰، باب ۷، ش ۶، ص ۶۵۸.

این کلام نورانی و دلنشین، سبب دلگرمی شیعیان و دوستداران آن حضرت و نجات و رهایی آن‌ها از یأس و ناامیدی است. شیعه‌ای که به دعای رهبر و پیشوای خود شادمان است، از اینکه بار دیگر به واسطه گناه و خطا، دل و جان پدر مهربان خویش را بیازارد، خجّل و شرمسار است و تلاش می‌کند که مرهمی بر دل داغدار امام و یار شایسته‌ای برای آن عزیز باشد.

از روایات و کتب دُعا استفاده می‌شود که شیعیان، پیوسته از لطف دعای امام بهره‌مندند و این باران رحمت در همه حال بر کویر تفتیده جان‌ها باریده و برای شیعیان، سبزی و خرمی را به ارمغان آورده است.

آن حضرت، بزرگ‌ترین آرمان و آرزویش فرج و گشایش در امر شیعیان و همه مظلومان عالم است و این گونه خدا را می‌خواند:

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَكَلِيعَتِي مِنَ الصَّيِّقِ فَرَجًا وَ
مِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَفْرُجُ وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمَ؟^{۲۳}

ای روشنایی نور! ای تدبیر کننده کارها! ای زنده کننده مردگان! بر محمد و خاندان او درود فرست و برای من و شیعیانم در تنگناها گشایشی قرار ده و از غم و اندوه، راه چاره‌ای باز کن و راه [هدایت] را بر ما وسعت بخش و راهی که در آن گشایش ما است، به روی ما بگشا و آنچه آن‌چنان که تو شایسته آن هستی، با ما رفتار کن ای کریم!

آنچه گفته شد، بیان گر آن است که یکی از آثار وجود امام – گرچه در غیبت به سر می‌برد – امکان ارتباط و اتصال به اوست و آن‌ها که لیاقت و شایستگی داشته‌اند، لذت همنشینی و همنوایی آن یار بی همتا را چشیده‌اند.

۸- مجری اوامر ویژه الهی

قرآن کریم از انبیاپی حکایت می‌کند که هر چند غایب بودند؛ غیبت مانع اجرای مأموریت آنان نمی‌شد. مصاحب حضرت موسی که قرآن از آن به «عبدا من عبادا»^{۲۴} تعبیر می‌کند و طبق نظر مفسرین همان خضر نبی است،^{۲۵} غایب بود؛ ولی در مقام عبد الهی مأمور اجرای دستورات تکوینی خدا بود. خراب کردن و از پا در آوردن و آباد کردن

^{۲۳}. همان .

^{۲۴}. (کهف: ۶۵)

^{۲۵}. (طوسی، بی تا، ج: ۷؛ ۶۸ طبرسی، بی تا، ج: ۳۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۱، ج: ۱۳؛ ۱۸۵؛ فخررازی، ۲۰۰۰، ج: ۲۱؛ ۱۲۳؛ السیوطی، ۱۹۹۳، ج: ۵؛ ۴۲۰؛ زمخشری، بی تا،

ج: ۲؛ ۶۸۵)؛

گوشه ای از کارهای اوست که در مدت کوتاه انجام داد (کهف: ۷۷-۷۱). ناشناس بودن او نه تنها مانع کارش نمی شود؛ بلکه اجرای مأموریت او را سرعت می بخشید (کهف: ۷۰-۶۶).

حضرت یوسف (علیه السلام) دیگر نمونه قرآنی برای اثبات مدعاست. او که بر اثر قدر شناسی و تهدید جانی از جانب برادرانش و اجرای مأموریت الهی غایب شد، مصداقی از فوایدش، هدایت مصریان به توحید و نجات مصریان و کنعانیان از قحطی بود. غیبتش مانع مأموریتش نبود؛ هر چند پس از رفع خطر و آمادگی امت و ندامت و استغفار برادران که ظهورش اتفاق افتاد، فواید تکوینی و تشریحی اش گسترده تر شد و هدایت قوم را بر عهده گرفت. در روایات فریقین از حیات، طول عمر و فعالیت های فعلی انبیای غایب سخن فراوان است.

۹- ناظر و شاهد بر اعمال امت

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۚ وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ^{۲۷}

عطف مؤمنین بر پیامبر و بر خدا می رساند که مراد عموم مؤمنان و مؤمنان عادی نیست؛ چنان که وجدان هر مؤمنی عادی گواه است که هیچ گاه واجد چنین مقامی نبوده که ناظر اعمال امت باشد.

پس، طبق روایات، امام است که وارث این مقام نیز می باشد. نظارت بر اعمال امت، منصبی است که به ظهور نیاز ندارد. مهم این است که نبی و امام، امت را ببیند. می توان یکی از فلسفه های مهم این نظارت را گواهی دادن پیامبر و امامان در روز قیامت دانست. ادامه همین آیه مؤید این نکته است:

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ^{۲۸}

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.^{۲۹}

^{۲۶}. (احزاب: ۴۵).

^{۲۷}. (توبه: ۱۰۵).

^{۲۸}. (اسراء: ۷۱).

^{۲۹}. (بقره: ۱۴۳).

فایده مهم تربیتی امام غایب، ولی شاهد و ناظر، این است که انسان معتقد و منتظر خود را در محضر امام حاضر می بیند و کمتر به گناه دست میزند.

خواجه نصیرالدین، در باب فایده امام غایب و در پاسخ به اشکال ناسازگاری غیبت با منصب امامت، سخن متقن و موجزی دارد که ناظر به همین تفسیر تعدد فواید امام است وجود امام و امامت امام:

«وجوده لطف و تصرفه [لطف آخر] او عدمه منا»^{۳۰}.

ظاهر عبارت این است که خواجه برای امام دو نوع فایده می بیند: یکی فواید وجودی (امام) و دیگری فواید منصبی (امامت). معظم فواید منصبی (امامت کردن در گرو ظهور و زندگی عادی امام است، مانند رهبری سیاسی - حکومتی، بیان دین، قضاوت میان مردم. لذا | در عصر غیبت، انجام دادن مباحثی این وظایف و فواید، تعطیل است؛ اما فواید وجودی مانند امان اهل زمین؛ الگوی عملی در محدوده همان کسانی که او را می بینند، هرچند نمی شناسند؛ هدایت های تکوینی ناشی از ولایت، القای روحیه امید و حرکت بخشی تعطیل نیست و اصولاً تعطیل بردار نیست؛ درست، مانند فواید وجودی امام علی (علیه السلام) که بیست و پنج سال از مرتبه خلافت ظاهری غایب بود.

نتیجه

یکی از عوامل پیدایش شبهه "انتفای فواید و لغویت امام غایب" برداشت اشتباه و یا ناقص از مفهوم غیبت، شئون و مناصب امام است. طراحان شبهه پنداشته اند غیبت، یعنی عزلت، اختفا و فقدان شخص و شخصیت امام و شئون امام، یعنی رهبری و حکومت سیاسی و حضور اجتماعی او. بنابراین، امام غایب، یعنی حاکمی که هیچ حضور و نمودی ندارد!

در حالی که به گواهی منابع لغت عرب، قرآن و سنت، اصولاً غیبت، به معنای اختفا و فقدان شخص از جامعه نیست. امام غایب موجود است، فعالیت دارد، با امت مرتبط است؛

^{۳۰}. علامه حلی، کشف المراد ص ۳۶۳

ولی هر کسی به تشخیص او موفق نمی شود؛ درست مانند غیبت حضرت یوسف و خضر (علیهماالسلام)؛ نه غیبت حضرت عیسی (علیه السلام).

از طرفی متکلمان فریقین، امام را خلیفه و جانشین نبی دانسته و در تعریف امامت، ریاست عمومی دین و دنیا را به او سپرده اند که نتیجه اش تساوی مناصب، مقامات و شئون این دو است؛ جز موارد اختصاصی نبی مانند دریافت وحی تشریحی.

از طرف دیگر مراجعه به قرآن نشان می دهد نبی، مناصب و شئون متعددی داشته که پس از رحلتشان تعطیلی آنها نه ممکن و نه مطلوب است. در این میان، برخی از آن مقامات و شئون که امام باید واجد آن باشد، به ظهور و معرفت شخص امام نیاز نیست و صرف وجود او کافی است؛ مانند جایگاه وجودی نبی و امام که مستلزم خیرات تکوینی برای کل هستی است؛ امید بخشی و جهت دهی؛ شهادت بر اعمال امت و گواهی دادن طبق آن؛ الگوی عملی برای سالکان و مجری اوامر تکوینی خدا.

و در روایات نیز در حل شبهه مذکور، به جایگاه وجودی و ثمرات شخصی امام پرداخته شده است که ابر غیبت مانع کار و ثمرات متعدد خورشید امامت نمیشود.

پس، غیبت امام غایب هیچ دلیلی بر عدم فایده داشتن آن نمی باشد بلکه امام تمام فوایدی را که نیاز باشد در این دوران غیبت به بشر میرساند.

منابع :

- ١- قران كريم
- ٢- مفاتيح الجنان
- ٣- سيوطى، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر، (١٩٩٣م). الدر المنثور فى التأويل بالمأثور، بيروت، دار الفكر.
- ٤- شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن على قمى (١٣٨٠ش). كمال الدين و تمام النعمة، تحقيق غفارى، اول، قم، دار الحديث.
- ٥- طباطبايى، علامه محمد حسين (١٦١٧ق). الميزان فى تفسير القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسين.
- ٦- طبرسى، امين الاسلام أبى على الفضل بن الحسن (بى تا). تفسير مجمع البيان، بى جا، المجمع العالمى لأهل البيت.
- ٧- طبرى، أبو جعفر محمد بن جرير (١٦٢٠ ق). جامع البيان فى تأويل القرآن، تحقيق أحمد محمد شاکر، اول، بى جا، مؤسسة الرسالة.
- ٨- طوسى، محمد بن الحسن (بى تا). التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق: أحمد حبيب قصير العالمى، بيروت، دار الأحياء التراث العربى_ (١٦٢٥ق).
- ٩- علامه حلى، (١٦٠٧ق). كشف المراد، تحقيق حسن حسن زاده، قم، جامعه مدرسين.

- ١٠- فخر الدين رازى، محمد بن عمر التميمى الشافعى (٢٠٠٠ م). التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ١١- كلىنى، محمد بن يعقوب (١٣٨١ ش). الكافى، تهران، اسلاميه.
- ١٢- مجلسى، علامه محمد باقر (١٩٠٣ ق). بحار الأنوار، بيروت - لبنان، مؤسسة الوفاء.
- ١٣- طبرسى، احمد بن على ابى طالب، الاحتجاج، تهران، اسوه، ١٤١٦ هـ ق .
- ١٤- -----، اثبات الهداء، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٠٤١ ق.
- ١٥- صافى گلپايگانى، لطف الله، منتخب الاثر، قم، السيدة المعصومه، ١٤١٩ ق.